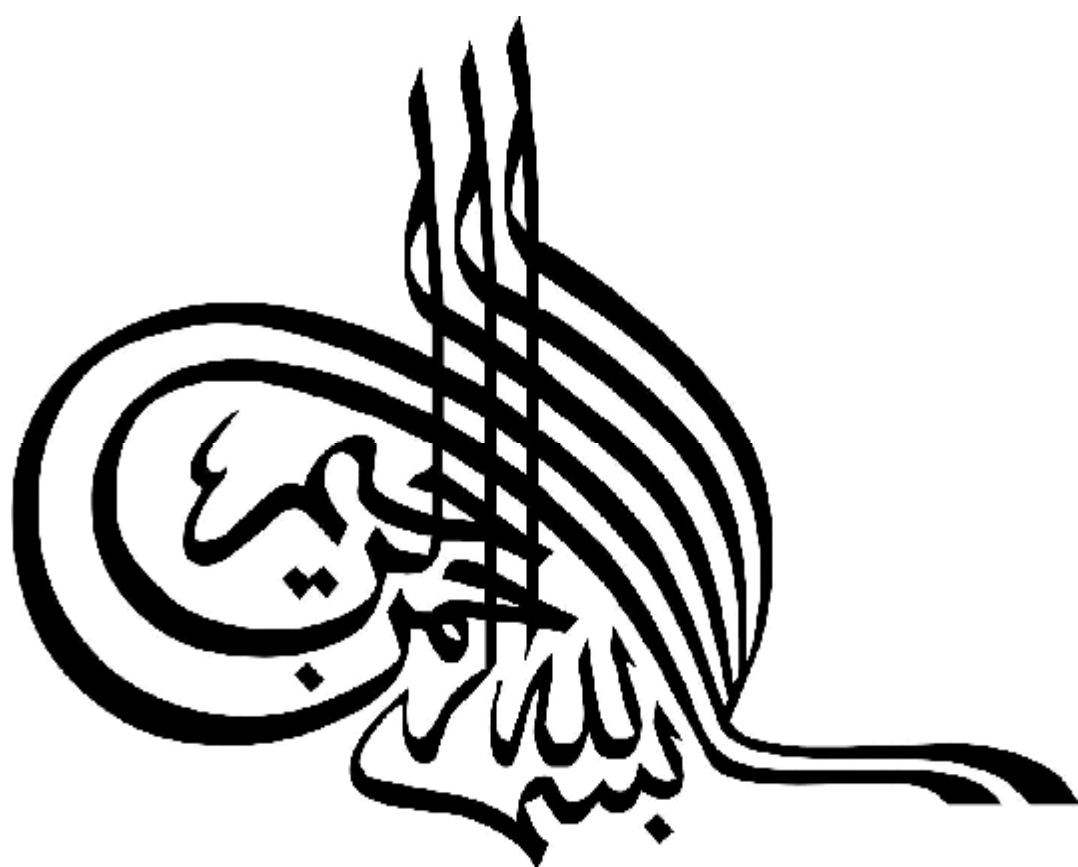






وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد گرایش ایران اسلامی

عنوان پایان نامه:
تدابیر و راهکارهای سامانیان برای دستیابی به امنیت سیاسی و تأثیر
آن در پیشرفت‌های فرهنگی

استاد راهنما:
دکتر پروین ترکمنی آذر

استاد مشاور:
دکتر صفورا برومند

پژوهشگر:
نرگس منتی
بهمن ماه 1392

تصویر برگه ارزیابی (یک صفحه کامل)

سپاس‌گزاری:

اکنون که با یاری ایزد منان و مساعدت اساتید محترم و دیگر دوستان، این پژوهش به اتمام رسیده است، بر خود لازم می‌دانم از اساتید ارجمند خانم دکتر **پروین ترکمنی آذر** استاد راهنما و خانم دکتر **صفورا برومند** استاد مشاور که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی و مشاوره‌ی این رساله را بر عهده گرفتند؛ تقدیر و تشکر نمایم. امیدوارم قادر به درک زیبایی‌های وجودشان باشم.

تقدیم به پدر و مادرم

به پاس فداکاری‌ها و دلگرمی‌هایشان

چکیده

در قرن دوم هجری قمری به دنبال تشکیل حکومت‌های نیمه‌مستقل در ایران، تجزیه در قلمرو خلافت آغاز شد. سامانیان که نسب دهقانی داشتند، توانستند بر اساس نشان دادن لیاقت‌های خود در قرن سوم در ناحیه خراسان و ماوراءالنهر حکومتی مقتدر تشکیل داده، نزدیک به یک قرن امنیت را در این مناطق برقرار سازند. در پژوهش حاضر که به صورت جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای تهیه شده، سعی شده به روش توصیفی-تحلیلی روشن شود که سامانیان برای دستیابی به امنیت سیاسی از چه تدابیر و راهکارهایی استفاده کردند و این امنیت چه تأثیری بر پیشرفت‌های فرهنگی این دوره داشت. نتیجه تحقیق نشان داد که امرای سامانی توانستند با حفظ استقلال سیاسی خود و تنظیم روابط با همسایگان‌شان و همچنین تابعیت از دستگاه خلافت عباسی، امنیت را برای مردم قلمروشان به ارمغان آورند و از طریق این امنیت و برقراری رابطه آشتی بین فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی به پیشرفت‌های فرهنگی و اقتصادی دست یابند.

واژگان کلیدی: سلسله سامانی، امنیت سیاسی، ماوراءالنهر، پیشرفت فرهنگی، روابط سیاسی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول:	
کلیات	
۱. بیان مسأله	۲
1.2. قلمرو پژوهش	۲
1.3. سؤالات پژوهش	۳
1.4. فرضیات	۳
1.5. روش انجام پژوهش	۳
1.6. پیشینه تحقیق	۳
1.7. بررسی و نقد منابع	۴
1.8. مفاهیم	۷
فصل دوم:	
پیشینه موضوع	
مقدمه	۱۰
2.1. محدوده جغرافیایی ماوراءالنهر و خراسان	۱۰
2.2. تقسیمات داخلی	۱۱
2.3. اوضاع طبیعی ماوراءالنهر	۱۴
2.4. اوضاع مذهبی ماوراءالنهر پیش از به قدرت رسیدن سامانیان	۱۵
2.5. امنیت خراسان و ماوراءالنهر پیش از سامانیان	۱۹
2.6. به قدرت رسیدن سامانیان	۲۳
2.7. امرای سامانی	۲۸
نتیجه گیری	۳۷
فصل سوم:	

تدابیر و راهکارهای سامانیان برای دستیابی به امنیت سیاسی	38
مقدمه:	۳۹
3.1. شاخصه‌های امنیت در دوره سامانی	۴۰
3.2. رابطه سامانیان با دستگاه خلافت	۴۲
3.2.3. مرزداری از تغور اسلامی در مقابل ترکان:	۴۵
3.2.4. مبارزه و مقابله با مخالفان و دشمنان سیاسی و مذهبی خلیفه عباسی:	۴۶
3.2.4.1. مخالفان عقیدتی و سیاسی خلیفه:	۴۷
3.2.4.2. سامانیان و مخالفان سیاسی خلیفه	۴۷
3.2.4.3. سامانیان و مخالفان عقیدتی دستگاه خلافت	۴۹
3.3. سیاست داخلی سامانیان	۵۱
3.3.1. نقش علمای اهل سنت در قدرت‌گیری سامانیان	۵۱
3.3.2. وحدت سیاسی در دوره سامانیان	۵۳
3.3.3. مدارای مذهبی امرای سامانی	۵۶
3.3.4. دیوان‌سالاری سامانیان	۵۸
3.3.5. نهاد وزارت	۶۰
3.3.6. دیوان مستوفی	۶۳
3.3.7. نقش سپاه در برقراری امنیت داخلی	۶۵
3.4. سیاست خارجی سامانیان	۷۰
3.4.1. نقش سپاه در امنیت خارجی	۷۱
3.4.2. رابطه با ترکان	۷۴
3.4.3. سامانیان و صفاریان	۷۶
3.4.4. سامانیان و علویان طبرستان	۸۰
3.4.5. سامانیان، آل‌زیار، آل‌بویه	۸۲
3.4.5.1. آل‌زیار	۸۳

3.4.5.2. آل بویه ۸۴

نتیجه گیری: ۹۲

فصل چهارم:

تأثیر امنیت در پیشرفت های فرهنگی دوره سامانی

مقدمه ۹۵

4.1. پیشرفت های فرهنگی دوره سامانی ۹۶

4.2. رنسانس اسلامی ۹۸

4.2.1. سیاست فرهنگی ۹۹

4.2.2. پویایی دینی در دوره سامانی ۹۹

4.2.3. پیشرفت ادبی در دوره سامانی ۱۰۰

4.2.4. توجه به زبان فارسی ۱۰۲

4.2.5. تألیف و ترجمه در زمان سامانیان ۱۰۴

4.2.6. محتوای متون دوره سامانی ۱۰۵

4.2.7. وضعیت علوم مختلف در زمان سامانیان ۱۰۶

4.2.8. ایجاد مراکز فرهنگی و آموزشی در دوره سامانیان ۱۰۷

نتیجه گیری: ۱۰۷

کتابنامه ۱۰۹

فصل اول:

کلیات

1.1. بیان مسأله

خراسان و ماوراءالنهر از دوران باستان دروازه ورود اقوام به ایران محسوب می‌شدند. همچنین عبور جاده مهم و بزرگ ابریشم از این منطقه باعث شده بود تا شرق و شمال شرقی ایران اهمیت زیاد و استراتژیکی برای دولت‌ها و حکومت‌های مختلف داشته باشد. ورود و هجوم اقوام بیابان‌گرد به داخل ایالات خراسان و ماوراءالنهر، ایجاد ناامنی در این منطقه را در پی داشت. پس از ورود اسلام به این مناطق نیز مرزهای شرقی و شمال شرقی به عنوان ثغور مهم دارالاسلام و دارالکفر به حساب می‌آمدند و بر اهمیت این ایالات افزوده شد. می‌توان گفت سامانیان نخستین حکومتی بودند که پس از اسلام توانستند ایالات نیمه‌مستقل ماوراءالنهر را به صورت متمرکز تحت اختیار خود درآورده، با نام خلیفه عباسی قریب به یک قرن حکومت کنند. در تمام این دوران مسأله امنیت و چگونگی برقراری آن و همچنین بهره‌برداری از نتایج این امنیت از مسائل مهم و مطرح محسوب می‌شد که ذهن دولتمردان را به خود مشغول کرده بود. پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیلی منطقی از جنبه‌هایی از امنیت در دوره سامانیان در چهارچوب‌های تعیین‌شده بپردازد.

1.2. قلمرو پژوهش

قلمرو اصلی این پژوهش به خراسان و ماوراءالنهر در فاصله زمانی حکومت سامانیان از سال 261 ق. تا 389 ق. مربوط می‌شود. از لحاظ موضوعی نیز مسأله امنیت و رابطه آن با پیشرفت‌های فرهنگی در جامعه را در بر می‌گیرد.

1.3. سؤالات پژوهش

در این راستا دو سؤال اصلی مطرح می‌شود:

- 1- سامانیان از چه راهکارهایی برای دستیابی به امنیت استفاده کردند؟
- 2- امنیت چه تأثیری در پیشرفت‌های فرهنگی این دوره داشت؟

1.4. فرضیات

فرضیه اول: سامانیان از راه‌های مختلفی سعی در ایجاد امنیت همه جانبه در قلمرو خود داشتند در این راستا امرای سامانی همواره با حفظ استقلال سیاسی و نظامی خود و با تبعیت معنوی از خلیفه عباسی در صدد کسب مشروعیت دینی بودند تا ثبات حکومت خود را حفظ نمایند.

فرضیه دوم: یکی از ملزومات پیشرفت فرهنگ در هر جامعه‌ای وجود امنیت در جامعه است که سامانیان با ایجاد این امنیت به پیشرفت فرهنگی منطقه خود کمک کردند.

1.5. روش انجام پژوهش

روش انجام پژوهش نیز به صورت توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که ابتدا داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده به صورت توصیفی بیان شده، سپس به روش متغیرهای مستقل و وابسته به تحلیل حوادث پرداخته می‌شود. ابتدا امنیت به صورت متغیر وابسته در نظر گرفته شده و تأثیر تدابیر و راهکارهای امرای سامانی به صورت متغیر مستقل بر روی امنیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در فصل بعد امنیت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و تأثیر آن در پیشرفت‌های فرهنگی این دوره به عنوان متغیر وابسته مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

1.6. پیشینه تحقیق

در زمینه دوره سامانیان تحقیقات بسیاری انجام شده و کتاب‌های چندی به تألیف رسیده است. اما هیچ یک از این کتاب‌ها به طور اختصاصی به امنیت در دوره سامانی و تأثیرات آن بر پیشرفت‌های فرهنگی این دوره نپرداخته‌اند. کتاب «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان» تألیف دکتر سید ابوالقاسم فروزانی به بیان اوضاع جغرافیایی و سیاسی ماوراءالنهر از زمان باستان تا دوره سامانیان پرداخته سپس تحولات این منطقه را در دوره سامانیان بررسی کرده و به بیان مختصر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در این دوره اکتفا کرده و به اوضاع فرهنگی به طور

اخص نپرداخته است. کتاب دیگر در این زمینه «تاریخ سامانیان» نوشته جواد هروی است که به بیان اوضاع سیاسی قلمرو سامانیان و رابطه سامانیان با همسایگانیشان و رابطه آنها با دستگاه خلافت پرداخته است. اما این مؤلف نیز درباره امنیت و اوضاع فرهنگی مطلب چندانی ذکر نکرده است. از دیگر کتب تألیف شده درباره دوره سامانی کتاب «سامانیان» نوشته احمدعلی محبی است. نویسنده در این اثر، احوال سامانیان از زمان سامان خداه تا به امارت رسیدن آنان را بیان کرده است و ضمن بیان وقایع دوران هریک از امرا این سلسله، اوضاع فرهنگی و اجتماعی این دوره را به اختصار بیان کرده است. اما در این کتاب درباره امنیت و رابطه آن با اوضاع فرهنگی مطلبی ارائه نشده است. «بخارا دستاورد قرون وسطی» نوشته ریچارد فرای تحقیقی است درباره تاریخ سیاسی و نظامی دوره سامانی بویژه در محدوده بخارا. این نویسنده در خلال سخنان خود به طور پراکنده از اوضاع فرهنگی و اقتصادی سامانیان سخن گفته لیکن فاقد مطلب منسجم و مرتبط با مقوله امنیت در دوران مورد بحث است.

از این رو، پژوهش حاضر در نظر دارد به روش توصیفی-تحلیلی، خلأ موجود در تحقیقات را پر کرده به نتیجه‌ای منطقی از راهکارهای سامانیان برای دستیابی به امنیت و تأثیر آن در پیشرفت‌های فرهنگی این دوره بپردازد و به شیوه‌ای منطقی و علمی به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای پژوهش پاسخ دهد.

1.7. بررسی و نقد منابع:

در قرون میانه هجری قمری به ویژه قرن سوم و چهارم به علت حمایت حکومت‌های وقت، جنبشی بزرگ در زمینه تألیف کتب تاریخی و جغرافیایی آغاز شد که ظهور و رشد حکومت‌های نیمه مستقل ایرانی تأثیر بسیاری در پیشرفت تاریخنگاری این دوره داشت. حاصل این جنبش، تألیف تواریخ عمومی متعدد در این زمان بود و به دنبال آن تألیف کتب تاریخی درباره سلسله‌ها و شهرها نیز آغاز شد. بیشتر نویسندگان این آثار ارزشمند، عمال دولتی و دیوانی حاضر در دربار و دستگاه حکومت‌های وقت بودند و به علت حضور مؤلف در هنگام وقوع بسیاری از حوادث، از اعتبار استنادی بالایی برخوردارند. از این رو، بخش درخور توجهی از پژوهش حاضر با تکیه بر این منابع و اطلاعات دست اول ارزشمند قرون میانه نوشته شده است. این آثار با تکیه بر طبقه‌بندی موضوعی عبارتند از:

تواریخ عمومی

- **تاریخ یعقوبی** اثر ابن واضح یعقوبی، در قرن دوم هجری قمری نوشته شد و حاوی مطالب ارزشمند درباره حوادث سیاسی قبل از روی کار آمدن سامانیان و فتح برخی از شهرها است. اطلاعاتی در باب ورود مسلمانان به شرق ایران و همچنین اوضاع شرق قبل از سامانیان از این کتاب اخذ شد.

- **تاریخ طبری** اثر محمد بن جریر طبری، در قرن سوم نوشته شد و حاوی انبوهی از مطالب سیاسی و تاریخی تا ابتدای قرن چهارم هجری قمری است. تاریخ طبری فاقد هرگونه دیدگاه انتقادی و تحلیل مطالب است. ارزش کار طبری در این است که روایات مختلف از یک حادثه را با ذکر سند به ترتیب تاریخ حوادث بیان کرده است. اطلاعات سیاسی و فرهنگی از این کتاب اخذ شد.

- **مروج الذهب** تألیف علی بن حسین مسعودی در قرن چهارم هجری قمری نوشته شد. این کتاب حاوی مطالب ارزشمند تاریخی، سیاسی و جغرافیایی است. از داده‌های سیاسی و جغرافیایی این کتاب استفاده شد.

- **تجارب الامم** اثر ابن مسکویه رازی، در قرن چهارم نوشته شد. ابن مسکویه به عنوان یکی از کارگزاران دستگاه اداری آل بویه، از نزدیک شاهد بسیاری از امور و حوادث بود و این امر بر اعتبار مطالب این کتاب می‌افزاید. اطلاعات مرتبط با مناسبات سامانیان و آل بویه و خلفا از این کتاب کسب شد.

- **زین الاخبار** اثر ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی در قرن پنجم نوشته شد و حاوی تاریخ مختصر خلفا و حکومت‌های متقارن است. گردیزی فصلی را نیز به امرای خراسان و حوادث مهم ورود اسلام به این منطقه بیان می‌کند. داده‌های سیاسی و فرهنگی این اثر مورد استفاده قرار گرفت.

- **الکامل** اثر عزالدین ابن اثیر، تاریخی است عمومی که در قرن هفتم هجری قمری نوشته شد. ارزش کار ابن اثیر نسبت به مورخان پیشین، دید تحلیلی این مورخ به مسائل است. ابن اثیر سعی کرده در بسیاری از موارد نظر مورخین پیشین را در کنار یکدیگر بیاورد. اطلاعات سیاسی این کتاب اعم از حوادث سیاسی دوره مورد بحث، رابطه سامانیان با همسایگان و خلفا مورد استفاده قرار گرفت.

این منابع عموماً مطالب ارزشمندی درباره حوادث سیاسی حکومت‌های متقارن و رابطه این حکومت‌ها با دستگاه خلافت را در بر دارند و در خصوص این موارد از این منابع استفاده شد.

تاریخ‌های محلی

- **تاریخ بخارا** نوشته ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، در قرن چهارم هجری قمری تألیف و به امیر نوح سامانی اهدا شد. این کتاب تاریخ شهر بخارا از زمان پیدایش تا دوره مؤلف را در بر دارد. داده‌های ارزشمند سیاسی و تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی بخارا پیش از روی کار آمدن سامانیان و در زمان

حکومت این سلسله از این کتاب اخذ شد. اطلاعات اقتصادی و مطالب مهمی درباره اوضاع تجاری این منطقه در این کتاب وجود دارد که در تمام فصول تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

- تاریخ سیستان از مؤلفی گمنام، در قرن پنجم هجری قمری نوشته شد. این کتاب دربرگیرنده اطلاعاتی مفید درباره صفاریان و سامانیان است. اطلاعاتی درباره سامانیان و رابطه شان با صفاریان از این کتاب به دست آمد.

- تاریخ طبرستان نوشته ابن اسفندیار درباره ایالت طبرستان نوشته شده و درخصوص حکومت‌های محلی سواحل دریای خزر، علویان طبرستان و رابطه آنها با سامانیان از مطالب مهمی برخوردار است.

سیرالملوک‌ها

- سیاست‌نامه اثر خواجه نظام‌الملک وزیر سلطان محمود غزنوی به آداب ملکداری می‌پردازد. خواجه نظام‌الملک در قالب حکایت‌های اخلاقی از افراد مهم و بزرگان به حوادث دوره سامانی و به ویژه خصال امیراسماعیل سامانی اشاره می‌کند.

- تاریخ فخری تألیف صفی‌الدین محمد بن طباطبا معروف به ابن طقطقی نیز به حکمت عملی و آداب ملکداری می‌پردازد و در خلال مطالب اصلی، داده‌های ارزش‌مندی درباره خلفای عباسی و حوادث سیاسی خلفا را در بر دارد.

منابع جغرافیایی

کتب جغرافیایی نیز از مهم‌ترین منابعی بود که مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه در کتب تاریخی آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته، سرگذشت پادشاهان و بزرگان است، کتب جغرافیایی قرون سوم و چهارم هجری قمری حاوی اطلاعات ارزش‌مندی از اوضاع فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی عامه مردم است که در فصل دوم و چهارم این پژوهش از اطلاعات این کتب جغرافیایی استفاده شد.

- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم اثری است بسیار ارزش‌مند از ابوعبدالله محمد بن احمد بن مقدسی که در قرن چهارم با موضوع جغرافیا نوشته شد. این کتاب علاوه بر اطلاعات جغرافیایی، مطالب مهمی از اوضاع فرهنگی، اجتماعی و دینی را در بر دارد. مقدسی در این کتاب به بیان آداب و رسوم و فرهنگ عامه مردم مناطق مختلف نیز پرداخته است. شایان توجه است که مطالب این کتاب بیشتر حاصل مشاهدات عینی نویسنده است. مطالب مفید این کتاب در بحث جغرافیایی، اقتصادی و مردم‌شناسی در فصل دوم و چهارم مورد استفاده قرار گرفت.

– **صورة الارض** اثر ابوالقاسم بن حوقل در قرن چهارم هجری قمری نوشته شد. ابن حوقل بسیار سفر می کرد و حاصل مشاهدات خود را در کتابش آورده به هنگام ورود وی به ماوراءالنهر منصور بن نوح سامانی امیر بود. **صورة الارض** علاوه بر جغرافیا به بیان مطالبی درباره پادشاهان و بزرگان شهرها و همچنین مطالب فرهنگی و اقتصادی و بیان حوادث مهم تاریخی و اجتماعی نیز می پردازد. اطلاعات این کتاب نیز در فصل های دوم و چهارم مورد استفاده قرار گرفت.

– **أشكال العالم** در قرن چهارم توسط ابوالقاسم بن احمد جیهانی نوشته شد و علاوه بر بیان موقعیت جغرافیایی شهرها به بیان آداب و رسوم و امور اجتماعی و اقتصادی آنها نیز پرداخته است.

– **حدود العالم من المشرق الى المغرب** در قرن چهارم توسط مؤلفی ناشناخته نوشته و به ابوالحارث محمد بن احمد فریغونی اهدا شد. اطلاعاتی در باب حدود جغرافیایی خراسان و ماوراءالنهر از این کتاب اخذ شد.

اهمیت این کتب جغرافیایی بیشتر از آن رو است که بیشتر نویسندگان این کتب، به شهرها و سرزمین های مختلف سفر کرده و حاصل مشاهدات عینی خود را ذکر کرده اند.

علاوه بر این کتب، از منابع دست اول دیگری نیز استفاده شد که در دسته بندی های ذکر شده قرار نگرفتند. همچنین تحقیقات و مقالات جدید نیز در جهت تکمیل این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

1.8. مفاهیم

امنیت سیاسی

واژه امنیت برگرفته از ریشه لاتین **security** و معادل واژه **secure** می باشد که در فرهنگ لغت به معنای امن، ایمن، محفوظ داشتن، تأمین کردن به کار می رود. (فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، 1379:

علی محمد حق شناس، حسین سامعی، نرگس انتخابی، تهران، فرهنگ معاصر، ص 1530)

امنیت یکی از بنیادی ترین و ابتدایی ترین نیازهای بشری است که به طور فطری و ذاتی در وجود انسان وجود دارد و شاید بتوان گفت یکی از ضروری ترین نیازهای اولیه انسان محسوب می شود. با این حال هر یک از متفکران و نظریه پردازان به زعم خود تعاریف متنوعی از امنیت ارائه می دهند. در یک تعریف کلی امنیت ایجاد شرایط مطلوب سیاسی برای اطمینان خاطر از حفظ و بقای ارزش های فرهنگی، مذهبی، قومی و نیز برقراری آرامش و رفاه در جامعه است. (مقاله هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتمگران در ایجاد امنیت و توسعه اجتماعی، پروین ترکمنی آذر، مجله جستارهای تاریخی دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان 1389، ص 2) بر اساس این تعریف، امنیت سیاسی می تواند تأمین کننده جنبه های مختلف

زندگی مردم باشد. به بیان دیگر امنیت سیاسی موجبات ایجاد امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و... در جامعه را فراهم می کند. وظیفه برقراری امنیت سیاسی و ایجاد اطمینان خاطر آرامش و آسایش در جامعه بر عهده حکومت ها می باشد. (همان)

فرهنگ

فرهنگ مفهومیست بین رشته ای که تقریباً همه رشته های علوم انسانی با آن سروکار دارند و حوزه های مختلف ادبی، دینی، حقوقی، هنری و... را در بر می گیرد. فرهنگ از جهتی به فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تقسیم می شود. فرهنگ مادی شامل همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست انسان ساخته می شود و شیوه ها و فرایندهای ساخت و ساز آن ها می شود و فرهنگ معنوی اعم از ارزش ها، دیدها و باورها، اندیشه ها، دانش ها و فن ها، دین و آداب و سنت ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فراورده های ذهنی انسان می باشد. (آشوری، داریوش، 1379: تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، آگاه، ص 114) «فرهنگ یک قوم میراث اجتماعی آن است به عبارت دیگر، کلیت همتافته ای است شامل دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزاری و کاربرد آن ها و روش فرارساندنشان» (همان، ص 53) تی.اس. الیوت در کتاب درباره فرهنگ می گوید: «فرهنگ به مثابه چیزی که باید با تلاشی آگاهانه به آن دست یافت، معنایی نسبتاً قابل درک به خود می گیرد. (الیوت، تی.اس، 1369: درباره فرهنگ، ترجمه حمید شاهرخ، چ اول، تهران، طلوع آزادی، ص 20) بر این اساس افراد یک جامعه با تلاش خود سازنده فرهنگ هستند و امنیت بر این تلاش و تحرک اثر گذاشته به منزله محرک آن می باشد.

پیشرفت فرهنگی

پیشرفت فرهنگی عبارت است از مشارکت توده های مردم در زندگی فرهنگی. پیشرفت فرهنگی واقعی هنگامی تحقق می پذیرد که مشارکت وسیع مردم در جریان طراحی پیشرفت و همچنین در مرحله اجرای برنامه های آن میسر شود. (پهلوان، چنگیز، 1378: فرهنگ شناسی، تهران، پیام امروز، ص 131) از این رو بر عهده حکومت هاست که برای جامعه خود توسعه ای متوازن و متعادل فراهم کنند به نحوی که همه عوامل اقتصادی و اجتماعی به منظور تأمین پیشرفت در زندگی افراد در ارتباط باهم قرار بگیرند و به کنش و واکنشی متناسب با نهادهای جامعه پردازند. (همان)

فصل دوم:

پیشینه موضوع

مقدمه

سامانیان در محدوده زمانی قرن سوم و چهارم هجری در منطقه شرق و شمال شرق ایران حکومت می‌کردند. از این‌رو شناخت اوضاع طبیعی و آشنایی با اوضاع اجتماعی و فرهنگی این منطقه پیش از سامانیان و هم‌زمان با قدرت‌گیری سامانیان برای شناخت بهتر شرایط و استعدادهای موجود در منطقه برای برقراری امنیت امری ضروری به شمار می‌رود. در این فصل تلاش شده ابتدا هسته اصلی قلمرو سامانیان یعنی خراسان و ماوراءالنهر از لحاظ موقعیت جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌های داخلی در ذهن خواننده ترسیم شود. پس از آن اوضاع طبیعی این منطقه و تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه اوضاع مذهبی پیش از به قدرت رسیدن سامانیان و تأثیر این وضعیت مذهبی در امنیت و همچنین ورود اسلام و اسلام‌پذیری مردم منطقه بیان می‌شود. سپس امنیت خراسان و ماوراءالنهر قبل از قدرت‌گیری سامانیان به بحث گذاشته می‌شود. همچنین به چگونگی قدرت‌گیری امرای سامانی و برای آشنایی بیشتر، خلاصه‌ای از مهم‌ترین حوادث دوران هر یک از امرای این سلسله بیان می‌شود.

2.1. محدوده جغرافیایی ماوراءالنهر و خراسان

قلمرو وسیع دولت سامانی شامل سه ناحیه ماوراءالنهر، خراسان و خوارزم می‌شد. تحدید و مرزبندی دقیق این سه ناحیه در دوره مورد بحث یعنی قرون اولیه اسلامی مستلزم دقت بسیار است. برخی از مؤلفان قرن چهارم و پنجم هجری قمری، ماوراءالنهر و خوارزم را جزئی از خراسان دانسته از آن با عنوان خراسان بزرگ یاد می‌کنند. (مقدسی، 1385: ص 381) اصطخری خراسان و ماوراءالنهر را جدا از یکدیگر دانسته و خوارزم را ایالتی از ماوراءالنهر به حساب آورده است. (اصطخری، 1340: ص 202) سرزمین ماوراءالنهر در دوره قبل از اسلام به علت حضور هیاطله یا هون‌های سفید در آن به هیطل نیز معروف

بوده است. (مقدسی، 1385: ص 381؛ ابن فقیه، 1349: ص 161) در دوران هخامنشیان، سرزمین‌های واقع در شمال رود وخاب (جیحون) را «پَرَدَری» می‌خواندند که ترکیبی بود از پَر (پرا) یعنی بالا و دَری (دریا) که به معنای رودخانه نیز به کار می‌رفت. به مرور زمان در زمان ساسانیان این نام به صورت «فرارود» درآمد و پس از فتوحات اولیه مسلمین این منطقه به ماوراءالنهر مشهور شد. (فروزانی، ابوالقاسم، 1378: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، تهران، سمت، ص 20)

2.2. تقسیمات داخلی

ماوراءالنهر سرزمین وسیعی بود کوهستانی و پرآب، که به طور تقریبی از شرق به غرب، از هند تا کناره شرقی دریای مازندران و از شمال به جنوب، محدوده بین سیحون و جیحون را دربر می‌گرفت (جیهانی، 1368: ص 167) و شامل ایالات و واحه‌های متعدد بود که ساخت بسیاری از شهرهای این منطقه را به پادشاهان باستانی ایرانی و اسکندر مقدونی نسبت می‌دهند. (ابن اثیر، 1355: ج 3، ص 176) اگرچه تشخیص حدود جغرافیایی ماوراءالنهر در طول زمان‌های مختلف در تغییر بوده اما هریک از جغرافی‌دانان حدود و مرزهایی برای آن در نظر گرفته‌اند. ابن حوقل در این باره می‌گوید:

«ماوراءالنهر محدود است از مشرق به فامر و راش و بخشی از سرزمین هند به خط مستقیم که مجاور ختل است و از مغرب به سرزمین غزان و خرلخ از ناحیه طراز که کمان‌وار با راب و ستکند و سغد و سمرقند و نواحی نجرا تا خوارزم کشیده شده، به دریاچه خوارزم منتهی می‌شود و از شمال به سرزمین ترکان خرلخی که از دورترین نقطه سرزمین فرغانه تا طراز به خط مستقیم کشیده شده است.» (ابن حوقل، 1345: ص 191) همچنین ابن حوقل در ادامه خوارزم و ختل را نیز جزء ماوراءالنهر به حساب آورده است. (همان)

مؤلف حدودالعالم نیز حدود جغرافیایی ماوراءالنهر را این‌گونه بیان می‌کند: «ناحیتیست که حدود مشرق وی و جنوب وی خراسان است و حدود خراسان و مغرب وی غوز است و حدود خلخ و شمالش هم حدود خلخ است. و این ناحیتیست عظیم و آبادان و بسیار نعمت و در ترکستان» (حدودالعالم، 1340: ص 105)

ماوراءالنهر به طور کلی به چند ناحیه مهم تقسیم می‌شد: سغد یا سغدیانیای قدیم که سمرقند و بخارا دو شهر مهم آن بودند، خوارزم (خیوه)، چغانیان، فرغانه، چاچ (شاش). مقدسی نیز ماوراءالنهر را تحت نام هیتل به شش خوره تقسیم می‌کند: «من این سوی رود (جیحون) را بر شش خوره و چهار ناحیه تقسیم نمودم. نخستین آنها در سمت خاور و در مرکز ترکستان فرغانه است. سپس اسبیجاب

سپس شاش، اشروسنه و سپس صغد و سپس بخارا و درباره صغد سخن بسیار است. چهار ناحیت نیز ییلاق، کش، NSF و صغانیان هستند.» (مقدسی، 1385: ص 382)

بخارا نزدیکترین شهر ماوراءالنهر به خراسان بود و محل مناسبی برای نظارت بر خراسان به شمار می‌رفت که بزرگترین و مهم‌ترین ایالت سامانیان بود. همچنین مردم این شهر در منابع به حسن شهرت و فرمانبرداری معروف بودند و کمتر اتفاق می‌افتاد که با حاکمی مخالفت کنند. (ابن حوقل، 1345: ص 218) از این رو بود که امیر اسماعیل بن احمد آن شهر را به عنوان مقر حکومت خود قرار داد. (همان) و از این زمان دوران شکوفایی بخارا آغاز شد. مورخ حدود العالم که در قرن چهارم می‌زیسته درباره آن می‌گوید:

«بخارا شهری بزرگ است و آبادان‌ترین شهر است اندر ماوراءالنهر و مستقر ملک مشرقست و جایی نمناک است و بسیار میوه‌ها و آب‌های روان و مردمان وی تیراندازند و غازی پیشه.» (حدود العالم، 1340: ص 106)

بخارا مهم‌ترین شهر ماوراءالنهر بویژه در دوره مورد بحث است. احمد بن محمد بن نصر قباوی مترجم و مصحح تاریخ بخارای نرشخی چنین می‌نویسد که نام‌های بخارا بسیار است و در کتاب خویش نمی‌جکت¹ آورده است و باز جای دیگر بومسکت آورده است و در جای دیگر به تازی نوشته مدینه الصفریه یعنی شارسستان روئین و در جای دیگر به تازی مدینه التجار یعنی شهر بازرگانان و نام بخارا از آن همه معروف‌تر است همچنین بر اساس حدیثی که در تاریخ بخارا آمده آن را فاخره نامیده‌اند. (نرشخی، 1319: ص 26)

سمرقند دیگر شهر مهم ماوراءالنهر بود و پایتخت نخستین امرای سامانی زمانی که هنوز تابعان امرای طاهری محسوب می‌شدند، در این شهر قرار داشت. (اصطخری، 1340: ص 248) سمرقند از شهرت بالایی برخوردار بود. اما این شهر از خراسان دور بود و همچنین به علت نزدیک بودن به محدوده استقرار ترکان همواره مورد هجوم این اقوام قرار می‌گرفت. از این رو بنیانگذار حاکمیت مستقل سامانیان یعنی امیر اسماعیل بن احمد، مرکزیت حکومت را به بخارا منتقل کرد. (همان)

خوارزم شامل دو کرسی بود یکی کاث (منصوره) که پایتخت باستانی خوارزم محسوب می‌شد و در ساحل شرقی جیحون قرار داشت و دیگری گرگانج بود در ساحل غربی جیحون. «مردم هر دو سو در آداب و رسوم و لهجه و اخلاق و منش اختلاف دارند. خوره‌ای بزرگ با شهرک‌های بسیار و

¹ کت یعنی روستا به زبان ترکی امروزه نیز به روستا کت می‌گویند البته در تحقیقات جدید بیشتر به صورت کند نوشته می‌شود.

ساختمان‌های گسترده مانند کشور روم و سجستان و کازرون است. ساختمان‌ها و باغ‌ها از یکدیگر فاصله بسیار ندارند.» (مقدسی، 1385: صص 412 و 413)

ایالت خراسان نیز بر اساس تقسیمات کشوری دوره ساسانیان به چهار ربع تقسیم می‌شد که هر ربع به مناسبت شهرهای بزرگ آنها نیشابور (ابرشهر)، مرو، هرات و بلخ نامیده می‌شدند. (اصطخری، 1340: ص 203) در هر دوره یکی از شهرهای خراسان اهمیت می‌یافت. از ورود مسلمین به خراسان تا قبل از تسلط طاهریان بر خراسان، شهر مرو از اهمیت بسزایی برخوردار بود و فرماندهانی که از سوی دستگاه خلافت به خراسان فرستاده می‌شدند در مرو سکونت می‌گزیدند؛ (همان) به تدریج قبایل مختلف عرب در این شهر ساکن شدند و شاید به علت اختلافات قبیله‌ای عرب‌ها بود که طاهریان مرکز حکومت خود را به نیشابور انتقال دادند. (همان) و در تمام دوران سامانیان نیز نیشابور مهم‌ترین شهر ماوراءالنهر و محل سکونت حاکم و سپهسالار آن بود.

«در حقیقت، این سوی رودخانه خود خراسان و مهم‌ترین دو سوی است، زیرا که مرکز آن بزرگ‌تر و مردمش ظریف‌تر، بردبارتر، نیک و بدشناس‌تر، به سرزمین تازیان نزدیک‌تر، به آداب و رسومشان آشنا‌تر، قصه‌هایش دل‌بازتر، سردی در هوا و مردمش کم‌تر، مردم آن خوش‌برخوردتر، بزرگان و خردمندان بیشتر از هیطل هستند. در آنجا دانش بسیار، حافظه شگفت‌انگیز، دارائی بسیار، رأی استوار است. مرو در آنجاست که دنیا بدان بسته و بلخ که بالاترین بوده و بی‌مانند است و نیشابور فراموش نشدنی با حداکثر گسترش و خوبی، دیه‌ها نیز در آنجاست. وزیران، پیشوایان، دانشمندان از آنجا برخاسته‌اند. امیرنشین‌های مرفه و دادگسترده دارد مانند غرج که شار (عنوان پادشاهان غرجستان) ایشان خردمندی همچون عمرین دادگستر و بخشایشگر است و غزنین که صاحبش همیشه در جنگ و ستیز است و فریغونیان که نزد ایشان داد و وفاداری همگانی است.» (مقدسی، 1385: ص 420)

خراسان در دوره اسلامی مهد بیداری و خیزش دوباره ایرانیان محسوب می‌شد و همواره مهم‌ترین ایالت ایران از نظر دستگاه خلافت به حساب می‌آمد. مردم خراسان در رویدادهای مهم چهار قرن نخستین هجری قمری یک پای مهم قضایا بودند. هسته اصلی سپاه ابومسلم خراسانی را تشکیل دادند، مأمون را به خلافت رساندند، نخستین حکومت نیمه مستقل را تشکیل دادند. بزرگ‌ترین وزرای عباسیان یعنی خاندان برامکه و خاندان سهل از مردم خراسان بودند. دانشمندان و فرهیختگان و امرای نظامی بزرگی پرورش یافته در محیط خراسان بودند.

در هر حال چه این سه ناحیه (خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم) را سه ناحیه جدا از یکدیگر تصور کنیم و چه همه را جزئی از خراسان بزرگ بدانیم؛ نکته مهم پیوندی است که اسلام و حکومت‌های ایرانی‌تبار